# فهرست مطالب:

[خطبه اول 2](#_Toc424568337)

[اصل تغافل در اخلاق اجتماعی و تربیت اسلامی 2](#_Toc424568338)

[فرق جهل و تجاهل 2](#_Toc424568339)

[1ـ تذکر صریح و آشکار به دیگری 3](#_Toc424568340)

[2ـ تذکر غیرمستقیم و با کنایه و اشاره 3](#_Toc424568341)

[3ـ تغافل 3](#_Toc424568342)

[وظیفه‎ی عام و اسلامی 4](#_Toc424568343)

[اصل تغافل 5](#_Toc424568344)

[مفاهیم در اخلاق اجتماعی اسلام 5](#_Toc424568345)

[شخصیت انسان عاقل 6](#_Toc424568346)

[خطبه دوم 8](#_Toc424568347)

[واقعه‎ی طبس 9](#_Toc424568348)

[وظیفه‎ی ما در برابر واقعه‎ی طبس 10](#_Toc424568349)

[اوضاع عراق 11](#_Toc424568350)

[وحدت امت اسلامی 11](#_Toc424568351)

[قانون اساسی موقت 12](#_Toc424568352)

[سلاحهای جنگی 12](#_Toc424568353)

[تعرض به عتبات عالیات 14](#_Toc424568354)

[موضع مراجع قم 14](#_Toc424568355)

# خطبه اول

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم** **مُّسْلِمُونَ» [[2]](#footnote-2)** **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه­ی شما برادران و خواهران نمازگزار و خودم را به پارسایی، خویشتن‌داری، تهذیب نفس، اصلاح اخلاق، دوری از گناهان و معصیت­ها و عمل به دستورات الهی سفارش و دعوت می­کنم.

امیدواریم خداوند همه­ی ما را بر بندگی خالصانه­ی خودش توفیق بیشتر عنایت بفرماید.

# اصل تغافل در اخلاق اجتماعی و تربیت اسلامی

تغافل از ماده­ی غفلت به معنای غافل نمودن و نمایش غفلت نسبت به دیگران است و این‌که انسان خطای دیگری را می‌داند اما با علم و عمد، خود را غافل نشان می‌دهد.

مثل تجاهل، یعنی انسان خودش را به جهل بزند و جاهل نشان بدهد، درحالی‌که واقعاً جاهل نیست.

# فرق جهل و تجاهل

جهل یعنی ندانستن، تجاهل یعنی می‌داند اما به‌ظاهر خودش را جاهل نشان می‌دهد.

فرق غفلت و تغافل هم همین‌طور است، گاهی انسان از یک امری غافل است، و یک‌وقتی هست که می‌داند اما خودش را به‌غفلت میزند.

ممکن است پدری خطا و اشتباه فرزندش را نداند یا غافل باشد، اما تغافل این است که می‌داند او خطا کرده اما خودش را به‌غفلت میزند تا او نفهمد که پدر از خطای او مطلع است.

تغافل در برابر خطای دیگران یک اصل اجتماعی، اخلاقی و تربیتی است که در مواردی به آن توصیه‌شده است.

انسان در برابر خطا و اشتباهی که از دیگران سر میزند سه نوع موضع می‌تواند بگیرد و یکی را می‌تواند انتخاب کند.

# 1ـ تذکر صریح و آشکار به دیگری

وقتی‌که انسان خطاکاری را می­بیند یا اشتباهی را در فردی مطلع می­شود اولین فرض در موضع‌گیری انسان این است که به‌صراحت خطای او را به وی یادآوری کند و برای اصلاح خطای او تذکر دهد.

# 2ـ تذکر غیرمستقیم و با کنایه و اشاره

اینکه پدر، مادر یا هر فردی به خطاکار دیگری مستقیم و صریح اشتباه او را یادآوری نکند بلکه در قالب کنایه و اشاره به او یادآوری کند که مبتلابه این خطایا اشکال هست.

# 3ـ تغافل

اصولاً خود را در برابر خطا غافل نشان دهد و اصلاً اظهار نکند که من میدانم. البته طرف ممکن است بداند که او مطلع است ولی از باب بزرگواری خودش اظهار بی­اطلاعی می­کند، این‌یک روشی است که در بعضی موارد این موضع‌گیری توصیه‌شده و امر مطلوب و مؤثری در روابط اجتماعی و خانوادگی است.

بنابراین، این سه روش هرکدام در جای خودش اثر گزار است و عمده این است که انسان درست تشخیص دهد که به‌جا یکی از این سه روش­ها را به کار گیرد.

مثلاً کسی در برابر دوستش که خطایی از او سرزده یا برخورد ناشایستی در برابر او انجام داده

1ـ می‌تواند صریح به او بگوید که تو این اشتباه را انجام داده­ای

2ـ می‌تواند در قالب لفافه، کنایه و اشاره به او یادآوری کند.

3ـ ممکن است در مواردی اثر کار به این باشد که خود را غافل نشان دهد.

تشخیص این موارد از امور بسیار مهمی است که باید به آن توجه داشت.

# وظیفه­ی عام و اسلامی

ما در برابر خطا مسئول هستیم، وظیفه­ی ما در برابر همدیگر اصلاح یکدیگر است. وظیفه­ی عام اسلامی و اجتماعی این است که انسان‌ها مراقب یکدیگر باشند و خطا و انحراف یکدیگر را به هم یادآوری کنند.

البته این وظیفه در مواردی شدیدتر وجدی‌تر می­شود مثل وظیفه­ای که پدر و مادر در خانه در قبال فرزندان خوددارند. یا وظیفه­ی استاد و مربی در قبال همدیگر به‌مراتب یک وظیفه­ی بالاتری است.

علاوه بر مسئولیت عمومی که خداوند بر دوش همه­ی ما قرار داده است، که خطا و فساد همدیگر را اصلاح کنیم این وظیفه در خانه، محیط اداری و کاری دشوارتر می­شود.

ما نباید یک‌لحظه از مسئولیت و بازسازی همدیگر شانه خالی کنیم که این امر خلاف نگاه و دستورات دینی است.

جامعه­ای رو به رشد و ترقی حرکت می­کند که این نگاه اخلاقی و اصلاحی و بازسازی یکدیگر بر همه­ی اذهان آن جامعه حاکم باشد.

# اصل تغافل

تغافل قبل از این‌که یک اصل تربیتی باشد، یک اصل اخلاقی است و در روایات هم مورد تأکید قرارگرفته است.

این هنر انسان‌ها نیست که در روابط دوستانه یا اجتماعی که دارند همیشه اشکال همدیگر را به رخ هم بکشند یا به‌صراحت دست به تذکر و یادآوری بزنند، بلکه در مواردی به‌خصوص در امور شخصی آنچه پسندیده است گذشت است و بالاتر از گذشت این است که خودش را به‌غفلت بزند.

گاهی در محیط خانه، اداره و کار سلایق انسان‌ها باهم منطبق نیست و همیشه هم این‌طور نیست که کارهای ما خوشایند دیگران باشد، گاهی هم اشکالی از ما سر میزند، تعدی، ستم و یا کاری برخلاف مقررات انجام می‌دهیم که ضربه­ای به دوست، مسئول، کارمند و یا فرزندمان وارد می­کند که یک مقدار آن در جامعه طبیعی است.

گذشت در مسائل شخصی خیلی در اسلام مورد تأکید قرارگرفته است.

# مفاهیم در اخلاق اجتماعی اسلام

سه مفهوم در اخلاق اجتماعی اسلام که خیلی ارزش دارد و در روابط شخصی و امور شخصی که بین آدم­ها در خانه یا جامعه پیدا می­شود.

یکی صبر و بردباری، یکی عفو و گذشت و دیگری تغافل است، اینکه انسان تحمل کند، واقعاً امری است که روابط اجتماعی و خانوادگی بر پایه­ی آن استوار است و دیگری اینکه در روابط شخصی در برابر خطا گذشت کند.

اوج مرتبه­ی عفو این است که انسان خود را غافل نشان دهد. و این اوج عفو است و طرف خودش می­فهمد که تو بزرگواری به خرج دادی، از سر کرامت و بزرگواری خطای دوستت را به رو نیاوردی. و او این بزرگواری را متوجه می­شود و همین منشأ این می‌شود که دست از خطا بردارد.

# شخصیت انسان عاقل

امیرالمؤمنین (ع) در حدیثی که اشاره به یک اصل بنیادی اخلاق اجتماعی و اخلاق انسان در روابط اجتماعی دارد می­فرماید:

**(( إِنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ‏ احْتِمَالٌ‏ وَ نِصْفُهُ تَغَافُلٌ.))[[3]](#footnote-3)**

اگر عاقل را دو پاره کنید شخصیت آن از دو رکن و جزء تشکیل‌شده است:

1ـ احتمال، که همان صبر و بردباری و شکیبایی است .

2ـ تغافل، اینکه آدم در روابط اجتماعی اگر مورد تعرضی قرار گرفت و مشکلی پیدا کرد نشان ندهد که خطایی از او سرزده است.

در حدیث دیگری آمده :

**((تَغَافَلْ‏ يُحْمَدْ [يخمد] أَمْرُك‏))[[4]](#footnote-4)**

شما در روابط خانوادگی، کاری، اجتماعی و در حوزه­ی مسائل شخصی که دارید و به نحوی خطایی از شما در برابر دوستتان سر میزند، تغافل کنید و خود را به جهل و غفلت بزنید. عاقبت این کار به خیر خواهد بود.

**((لا حلمُکَ التَّغافُل لا عَقلَکَ التَّجاهُل))**

حلم و بردباری بالاتر از این نیست که آدم در برابر خطای دیگران خود را غافل نشان دهد. و این در مسائل شخصی است و در مسائل شرعی و دینی حکم دیگری دارد.

و در روایت دیگری می­فرماید:

**((أَشْرَفُ‏ أَخْلَاقِ‏ الْكَرِيمِ تَغَافُلُهُ عَمَّا يَعْلَم‏))[[5]](#footnote-5)**

بالاترین و باشرافت ترین اخلاق انسان بزرگوار این است که از چیزی که می‌داند تغافل کند.

**((من لا يتغافل‏ عن كثير من الأمور تنغّضت عيشته‏))[[6]](#footnote-6)**

آدم­هایی که سختگیر هستند و در روابطشان با دیگران از هیچ جزئی نمی­گذرند، این آدم­ها زندگی سخت، ناقص و پرمشکلی دارند.

این‌ها حقیقت­هایی است که در این احادیث آمده است.

تغافل و تجاهل در محیط خانه و سایر محیط­ها در محدوده­ای که مسائل شخصی است می‌تواند فضا را بسیار آرام و جو را جو بزرگواری و گذشت قرار دهد.

امیدواریم خداوند به همه­ی ما توفیق تخلق به اخلاق الهی و اسلامی را کرامت بفرماید.

**«بسم الله الرحمن الرحیم ،وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»[[7]](#footnote-7)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین . اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ» [[8]](#footnote-8) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه­ شما برادران و خواهران نمازگزار و خودم را به پارسایی، خویشتن‌داری، پرهیزکاری، تقوا، تهذیب نفس و اصلاح اخلاق سفارش و دعوت می­کنم.

امیدوارم خداوند همه­ی ما را بر تخلق به اخلاق الهی و کسب تقوا در همه­ی شئون زندگی توفیق بیشتر عنایت بفرماید.

# واقعه­ی طبس

ایامی است که یادآور حمله­ی مفتضحانه­ی آمریکا به کشور ما و شکست آن‌ها در صحرای طبس است. بی­تردید شکست آمریکا و سقوط بالگردها و ارتش مجهز آمریکا در طوفان بلای طبس از اعجازهای انقلاب اسلامی و از دست‌های غیبی بود که خود را در طول دوره­ی انقلاب نشان داد.

انقلاب اسلامی بر پایه­های معنویت و اسلام مبتنی بود و ما مواردی را در طول تاریخ انقلاب می­توانیم سراغ بگیریم که حرکت انقلاب به جلو و تحولی که پیش آمد امر غیرطبیعی بود چون بخشی از حقایق و وقایع انقلاب اموری است که بر یک‌روال عادی نظیر هم دارد و انجام می­گرفته است اما یک نقاط عطفی وجود دارد که در آن احساس یکدست غیبی الهی پیدا می­شود و یکی از این قله­های ظهور و بروز قدرت الهی و دست غیبی خداوند واقعه­ی طبس بود.

از همان لحظات اول روشن بود که با آن تمحیداتی که قدرتی مثل آمریکا و ارتش مجهزی مثل ارتش آمریکا برای حمله­ به کشور و آزادسازی گروگان‌ها انجام داده بودند، عملیاتی است که باید موفق شود و طبق اسنادی که بعدها از خود آمریکایی­ها و ارتش آن یا اعتراف­هایی که انجام دادند همه­ی تدابیر و برنامه­ریزی­های لازم به‌عمل‌آمده تا یک عملیات محدود اما بسیار سریع و موفقیت‌آمیز انجام بگیرد.

این برنامه­ای بود که طراحی‌شده بود و چند پایگاه نظامی آمریکا در منطقه این عملیات را پشتیبانی می­کردند.پیشرفته­ترین تجهیزات الکترونیکی و مجرب­ترین نیروهای عملی آمریکا در جریان واقعه­ی طبس و آزادسازی گروگان­های آمریکایی به کار گرفته‌شده بود.

این‌ها چیزهایی نیست که ما ادعا کنیم، اسناد و اعترافات این‌ها در طول دو دهه­ی گذشته و بعدازآن واقعه منتشرشده و در دنیا هم پخش‌شده و گویای واقعیت است.

یک تدبیر همه­جانبه و نقشه­ی کامل طراحی‌شده بود تا این ضربه را به کشور ما بزنند و چند عملیات انجام دهند، درحالی‌که با به کار گرفتن پیش­بینی­های هواشناسی، وسایل الکترونیکی قوی، تجهیزات کامل و پیش­بینی­های لازم به‌عمل‌آمده بود و عملیات را شروع کردند. اما دست الهی و قدرت خداوند خود را در واقعه­ی طبس نشان داد.

یکی از نمادها و نمودهای قدرت غیبی خداوند و شکستن اسباب عادی که همه‌چیز برای این عملیات همراه شده بود قضیه­ی طبس است.

# وظیفه­ی ما در برابر واقعه­ی طبس

وظیفه­ی ماست که این واقعه را یادآوری کنیم تا دست غیبی خداوند را احساس کنیم مادامی‌که مردم و جامعه­ای خودشان حقیقت­خواه هستند و از سر اخلاص و احساس وظیفه دنبال حق و حقیقت حرکت می­کنند. البته درراه حق و اعلای کلمة الله شکست و سختی­ها وجود دارد. اما گاهی هم خداوند برای تقویت ایمان مؤمنان در یک نقاط عطف معجزه­ی خود را نشان می‌دهد. در صدر اسلام و انقلاب ما هم همین‌طور بود.

اصولاً انقلاب اسلامی یک معجزه در قرن ما بود و حرکتی بود که قابل پیش­بینی برای سیاست­مداران، تحلیل­گران، مورخان و صاحبان نظریه­ی سیاسی و اجتماعی در دنیا نبود اما در درون این انقلاب بزرگ پیروزی، شکست، اصلاح و مراحل فراوانی را پشت سر گذاشتیم و در این فرایند یک نقاط ویژه­ای وجود دارد.

یاد و خاطره­ی همه­ی شهیدان انقلاب اسلامی و شهیدان واقعه طبس را گرامی می‌داریم و خداوند را بر کمک­های او سپاس می­گذاریم و امیدواریم که لطف و عنایت خداوند همواره شامل حال امت اسلامی باشد.

# اوضاع عراق

قانون موقتی که در عراق و حکام آمریکایی به تصویب رساندند و شورای حکم را هم مجبور کردند آن را امضا کند قانون اساسی است که دقیقاً جهت­گیری آن به این است که اکثریت شیعه­ی عراق را مانند صدسال گذشته از حق طبیعی تعیین سرنوشت خود محروم بدارند. درحالی‌که مرجعیت شیعه در نجف بر این نکته پا می­فشارند که شما به انتخابات و رأی و اکثریت مردم اعتنا بکنید، این‌ها برخلاف همه­ی این سروصداها و شعارهای دروغینی است که می‌دهند.

یکی از چند کشوری که اکثریت شیعه دارد، ایران، عراق، آذربایجان، بحرین و چند کشور دیگر است و بعد از ایران، عراق یکی از کشورهای مهمی است که پایگاه، محور و قطب تشیع و نقطه­ی مهمی در جهان اسلام دارد.

آمار و ارقام این‌طور نشان می‌دهد که در عراق بین حدود 60% تا حدود 70% شیعه وجود دارد. یعنی اکثریت دارد و طبیعی است که این اکثریت باید از حقوق خودش بهره­مند شود و بتواند در تعیین حکومت، تدوین قوانین، شکل دادن به نهادهای قانونی آنجا اثرگذار باشد.

ایران ما هیچ‌گاه شیعه را در برابر برادران اهل سنت عَلَم نکرده است. ما پرچم­دار وحدت امت اسلامی و پیشتاز تقریب مذاهب اسلامی هستیم. انقلاب اسلامی برای فلسطین بیشترین سرمایه­گذاری را کرده درحالی‌که آنجا اهل سنت وجود دارند.

# وحدت امت اسلامی

وحدت امت اسلامی چیزی نیست که بشود قربانی اختلافات مذهبی کرد. شیعه در عین اینکه باید اصالت، مبانی اعتقادی، فکری و سیاسی و اجتماعی خودش را باقدرت تمام حفظ بکند هرگز شایسته­ و حق او نیست که اختلافات مذهبی را در دنیای اسلام دامن بزند، این‌یک استراتژی و راهبرد محوری انقلاب اسلامی است که امام، رهبری، قانون اساسی و مبانی دینی ما بر آن تأکید داشتند.

علی‌رغم اینکه در طول صدسال گذشته بعد از بیرون رفتن انگلیسی­ها از عراق شیعه همیشه در آنجا مظلوم بوده و او را در اقلیت سیاسی و اجتماعی قراردادند اما درعین‌حال هیچ‌گاه کسی نگفته که در آنجا اکثریت از آنِ شیعه نیست.

# قانون اساسی موقت

در طول ماه­های اخیر آمریکایی­ها چند امر و کار انجام دادند که نشان‌دهنده‌ عدم صداقت و دروغ‌گویی آن‌ها در فعالیت­هایی است که در عراق انجام می‌دهند. نخستین آن‌ها تصویب قانون اساسی موقت است که می‌تواند پایه­ای برای قانون اساسی دائمی شود. در این قانون اساسی موقت شورای رهبری یا ریاست جمهوری دیدند که اهل سنت و شیعه در آنجا یک سهم دارند معنایش این است که شیعه یک رأی از سه رأی دارد. و حق قطعی به چند استان دادند که اگر کسی دقیق آن را محاسبه کند همیشه این حق قطعی علیه شیعه می‌تواند به کار گرفته شود.

این‌یک دروغ‌گویی آمریکا است که حاضر نشدند قانون اساسی را بر اساس مراجعه به اکثریت مردم تنظیم کنند که اگر این‌طور باشد، جایگاه شیعه ممتاز خواهد شد.

موادی در قانون اساسی موقت گنجانده­اند که هم مبانی اسلام را در آن ضعیف به کار گرفته و هم سهم اکثریت شیعه را ناچیز کردند. و می­خواهند این قانون اساسی را دورنمایی قرار دهند تا آینده را بر اساس آن تنظیم کنند، این‌یکی از خطاهای بسیار بزرگی است که ما امروز از اشغال گران عراق می­بینیم و دروغ‌گویی آن‌ها در ادعاهای دموکراسی و اینکه سهم اکثریت را برحسب عدل و انصاف بدهند، این نشان­دهنده­ی خلاف آن‌هاست.

# سلاح­های جنگی

و مطلب دیگر این است که در عراق از سلاح­های کشتارجمعی خبری نیست.

عراق و صدام هرچه سلاح جنگی داشتند در انتفاضه­ی 1390 از بین برده شد یعنی خود آمریکایی­ها در حمله به کویت آن را از بین بردند. و بعدازآن دیگر امکان اینکه صدام وارد یک تجهیزات کشتارجمعی در سطح وسیع بشود نبوده و این را خود آن‌ها بهتر می­دانستند.

سازمان انرژی اتمی و هزار مسئله را علم کردند و همه­ی این‌ها بهانه بود برای اینکه 11 سپتامبر را توجیه قراردادند برای اینکه به آنجا حمله کنند و منافع درازمدت خود را تأمین کنند.

اخیراً یکی از متفکران آمریکایی حرفی زده است که بسیار حرف عمیقی است و درخور این است که دنیای اسلام روی آن تعمق کند. حرف او این بود که آمریکایی­ها هر جا رفتند و زود بیرون آمدند شکست خوردند و اگر شما پایتان را در خلیج‌فارس و منطقه­ی خاورمیانه تحکیم کنید باید برنامه­ی 50 ساله برای حضور مستمر و پایدار در منطقه­ی استراتژیک خاورمیانه بریزید. این نشان­دهنده­ی استراتژی­های شیطانی و خبیثانه­ درازمدتی است که آن‌ها برای تأمین منافع خودشان، تضعیف اسلام و امت اسلامی طراحی می­کنند. این خطر دیگری است که امروز احساس می­شود، بنابراین از سلاح­های کشتارجمعی خبری نیست. دامنه­ی این قضیه آن‌قدر گسترده شده است که مکرر در اخبار می­بینیم که در خود کنگره­ی آمریکا و مراکز سیاسی و قانون‌گذاری آن مطرح است که آقای بوش و تیم کاخ سفید به ملت آمریکا دروغ گفتند.

قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشتند به افکار عمومی خودشان دروغ گفتند. بنابراین این‌ها سوژه­های دروغینی بوده که اهداف خبیثانه­ دیگری را تعقیب می­کردند.

آنچه امروز برای جهان اسلام مهم است این است که عراق مهد تمدن شیعه و دربرگیرنده­ عتبات عالیات و محورهای جهان اسلام و تشیع است و نجف و کربلا پاره­های تن امت اسلامی به‌خصوص شیعیان است.

# تعرض به عتبات عالیات

امروز نجف در محاصره­ی ارتش مجهز آمریکاست و تصمیم­های شیطانی برای تعرض به عتبات عالیات گرفتند. آمریکا باید این را بداند که برای امت اسلامی و به‌خصوص برای شیعیان حرمت نجف و عتبات عالیات از جایگاه مهمی برخوردار است. برای ما مرجعیت شیعه و حوزه­ی دیرپا و کهن نجف از جایگاه بلندی برخوردار است.

# موضع مراجع قم

موضع قاطع مراجع قم و موضع یکپارچه­ی شیعیان در سراسر جهان و هماهنگی مسلمانان در دنیا باید جلوی تعرض­های بیشتر امریکا را بگیرد و مطمئن باشید که یکپارچگی، وحدت، قاطعیت و بردباری در این راه دشمن را به عقب میزند.

دیروز صبح فرمانده­ی ارتش آمریکا در عراق اعلام کرد که ما قصد تعرض به نجف را نداریم درحالی‌که گزارش­های دقیقی وجود داشت که این‌ها آماده­ی هجوم هستند. موضع مراجع قم و اعلام حمایت از نجف، آمریکا را چند قدم به عقب برد. قطعاً این هم­بستگی و اتکا به خداوند می‌تواند منافع اسلام و شیعه را حفظ کند و امیدواریم خدا هم در این راه همراه و یار و مددکار ما و امت اسلامی و شیعیان جهان باشد.

در پایان مقدم دانش­آموزان عزیز و گرامی­مان را که از بم شهر میبد حضور دارند و در نماز جمعه شرکت دارند گرامی می­دارم. جمعی از عزیزان و بازماندگان حادثه­ی دل‌خراش بم برای تقویت درس­ها و آمادگی برای شرکت در کنکور، مهمانان عزیز و گرامی ما در شهر هستند و ما با تمام وجود و کمال تواضع و فروتنی مقدمشان را گرامی می‌داریم و وظیفه­ی خود میدانیم که هر چه از دستمان برمی­آید در خدمت این عزیزان باشیم و امیدواریم که مردم، دولت و همه تلاش کنند که با سرعت بیشتر خسارت‌ها و مشکلات سنگینی که متوجه این منطقه عزیز وطنمان شد ان­شاءالله جبران شود. و به سربازان عزیزی که از پادگان آمده و در نماز شرکت دارند خوشامد عرض می­کنم.

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان و معرفت خودت منور بفرما، ارواح مؤمنین و مؤمنات و درگذشتگان این جمع را غریق بهار رحمت خودت قرار بده. خدایا ارواح همه­ی شهدا، شهیدان انقلاب اسلامی، شهیدان جنگ تحمیلی و شهیدان عزیزی که در این مقطع اخیر خبر شهادتشان اعلام شد با اولیاء خودت و با سید و سالار شهدا محشور بفرما، ما را ادامه­دهنده­ راه آن‌ها مقرر بفرما، همه­ی خدمت گذاران اسلام و کشور و مقام معظم رهبری را مؤید و منصور بدار، گناهان ما را ببخش، ما را از بندگان شایسته­ی خودت مقرر بفرما، بهترین سلام­ها و درودهای ما را به محضر آقایمان و امام منتظرمان حضرت ولی‌عصر (ع) ابلاغ بفرما، قلب او را از ما خشنود بفرما، عنایات و تفضلات او را متوجه ما و امت اسلامی قرار بده، بر فرج آن حضرت تعجیل بفرما.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره­ی آل‌عمران آیه­ی 102 [↑](#footnote-ref-2)
3. .عيون الحكم و المواعظ (لليثي) ، 84 ،الفصل الثالث بلفظ الأمر في خطاب المفرد ..... ص : 75 [↑](#footnote-ref-3)
4. .تصنيف غررالحکم و درر الكلم ، 451 ، الفصل الرابع عشر في الستر و التغافل ..... ص : 451 [↑](#footnote-ref-4)
5. .شرح آقا جمال خوانسارى بر غررالحکم و درر الكلم ، ج‏2 ،ص 450 ، 3256 اشرف اخلاق الكريم تغافله عما يعلم. ..... ص : 450 [↑](#footnote-ref-5)
6. .غررالحکم و درر الكلم، 664 ، 1494 ..... ص : 664 [↑](#footnote-ref-6)
7. .سوره والعصر [↑](#footnote-ref-7)
8. .سوره­ی آل‌عمران آیه­ی 102 [↑](#footnote-ref-8)